



صحنه‌ای از فیلم «پیشار»



صحنه‌ای از فیلم «پیش»

**گفت‌وگو درباره اندیشه و آثار سینمایی و ادبی «آندری تارکوفسکی»**

# صدایی که با صدای زمین یکی می‌شود

**ترجمه: عظیم جابری**

چیزی در زندگی‌اش دوباره آغاز شده بود. این دفترچه‌های نامه‌خوانی که ما تنها در یک کتاب تدوین کردیم برای من تومان شبیه به دفتری روحانی و رمانی پلیسی است. دفتری روحانی. زیرا این کتاب از درونی‌ترین سطوح روحش پرده برمی‌دارد؛ جایی که ما زندگی باطنی نامرئی، اما مهیج یک انسان را کشف می‌کنیم. رمانی پلیسی، زیرا این کتاب همچنین داستان تقریباً هرروز مبارزاتش با مقامات شوروی است. البته بی آنکه هیچ‌گاه او از دروازه مخالفت عبور کند. اگر او بالاخره تبعید به ایتالیا را در سال ۱۹۸۴ برمی‌گزیند، برای این است که بتواند کار کند، افکارش را بیان کند... و در اواخر سال ۱۹۸۶ می‌میرد. می‌خواهم نکته‌ای را هم درباره جزئیات این کتاب عرض کنم: نمایه‌اش، که به ما اجازه داد دورنمای جهان فرهنگی آندری تارکوفسکی را به خوانندگان عرضه کنیم. درواقع «دفتر خاطرات»‌اش مملو از نقل‌قول‌ها و ارجحاتی است که وسعت اثرش را نشان می‌دهند.

متن زیر، مصاحبه ناتالی جونگرمان با شارل هوبر دو برانت، مدیر کنونی مؤسسه بین‌المللی آندری تارکوفسکی (پاریس، فلورانس و مسکو) است؛ نوشته‌اید و در انتشار نسخه نهایی «دفتر خاطرات» او که مؤسسه‌ای «برای ترفیع آثار هنری آندری تارکوفسکی و هر شکل از هنری که این آثار می‌تواند الهام ببخشند،

شما مدیر مؤسسه آندری تارکوفسکی هستید. به‌ویژه پیشگفتار کتاب «قصه‌های جوانی» آندری تارکوفسکی را نوشته‌اید و در انتشار نسخه نهایی «دفتر خاطرات» او که ماه گذشته به چاپ رسید مشارکت داشته‌اید... اولین فیلمی که از او دیدید، چه بود و چه کسی این شیفتگی به آثار او را در شما برانگیخت؟

اولین فیلمی که من از تارکوفسکی دیدم، «استاکر» بود. یادم است که چیز زیادی از این فیلم نفهمیدم. اما درعوض چیزی را احساس کردم که از مدت‌ها پیش در جست‌وجویش بودم. برای بیان کردن آن، آخرین جمله از مقدمه کتاب تازه چاپ «قصه‌های جوانی» را تکرار می‌کنم: «در میان درختان غان، باد طولانی همچون یک رویا به اغلب فیلم‌هایش غنایی روحانی می‌بخشد که به‌ندرت قابل‌تکرار است...» من یک هنرمند یافته بودم؛ شاعری حقیقی که به چیزهایی پنهان و حتی غالباً نامرئی آوا می‌بخشد، باین‌حال چیزهای زیبا، حقیقی و شاید حتی مهم‌ترین چیزهای زندگی‌مان. آخرین تصویر این فیلم را دوباره ببیند تا متوجه شوید چه می‌خواهم بگویم؛ چهره شمالیل‌وار دخترک، نگاهش، نیرویی که از پاکی‌اش طابع می‌شود...

**نسبت به چاپ قبلی «دفتر خاطرات» تارکوفسکی، چه مؤلفه‌های جدیدی در این چاپ اخیر به چشم می‌خورند؟**

چاپ جدید «دفتر خاطرات»، که کایه‌دوسینما آن را «نسخه نهایی» نامیده است، ۶۰۰ صفحه دارد؛ یعنی ۱۲۰ صفحه بیشتر از چاپ سال ۱۹۹۳. این صفحات جدید از دفتر خاطرات را پسر او در آرشیه‌های شخصی سینماگر یافته است. بخش اعظمی از آنها مربوط می‌شود به اقامت در ایتالیا در سال ۱۹۸۲. اما آندری تارکوفسکی (او نیز همان نام پدرش را دارد) با بازخوانی بسیار دقیق دست‌نوشته‌های اصلی دفتر خاطراتِ خصوصی پدرش موجب اصلاحات متعددی در این چاپ شد؛ پیش از هرچیز اضافهات، اصلاحات و حتی چند مورد حذف. باید درک کرد که اولین چاپ را لاریسا تارکوفسکی، بیوه فیلم‌ساز، برای من آورده بود. اعتماد بسیار زیادی بین ما وجود داشت و من نسخه او برای کایه‌دوسینما را قبول کردم. ولی ما علاوه بر غلط‌های چاپی گریزناپذیر، دریافتیم که لاریسا در جزئیات آخرین سال حیات فیلم‌ساز دست برده بود؛ یعنی سال ۱۹۸۶ که آندری تارکوفسکی به‌علت بیماری‌اش نسبتاً کم نوشته بود. من از آنجایی که در کنارشان بودم، می‌توانم شهادت بدهم هیچ‌یک از این جزئیات نادرست نیستند، اما خود تارکوفسکی هم آنها را ننوشته است. درواقع، برای دوستداران تارکوفسکی جالب خواهد بود دو نسخه را مقایسه کنند... اما من معتقدم نسخه سال ۲۰۰۴ بی‌نظیر است.

**روایهای تارکوفسکی در «دفتر خاطرات»‌اش حکم نقطه‌گذاری را دارند و به فیلم‌هایش نیزرتم می‌بخشند، یادداشت‌هایی هست مربوط به فیلم‌های خودش یا تأملاتی مخصوصا درباره آثار برگمان... راجع به مضمون این اثر برایمان بگویید؛ یادداشت‌هایی روزانه که بیش از ۱۶ سال به طول انجامید.**

باید یادآور شد که یک دفتر خاطرات خصوصی اولین رسالتش این نیست که به چاپ برسد. اینها دفترچه‌هایی هستند که او از سال ۱۹۷۰ شروع به نوشتن در آنها کرد، یعنی چند هفته‌ای پیش از تولد پسرش و چندماه پس از خریدن خانه ییلاقی کوچکی همراه با همسر دومش لاریسا.



**سادگی آنها را تمجید می‌کند، مانند باخ در موسیقی، لئوناردو داوینچی در نقاشی و تولستوی در ادبیات و درباره طریقه تفکر پارادوکسیکال و شاعرانه پاراچانوف حرف می‌زند...**

جاه‌طلبی تارکوفسکی برای هنر سینما این بود که آن را تا حد زیباترین شاهکارهای تاریخ هنر ارتقا دهد. این جاه‌طلبی مغرورانه را داشت و مخصوصاً متضمن الزام بسیار جدی‌ای بود. ملاحظه می‌کنید که انتخاب استادانش از او برادرانش منحصرأ به‌سمت شعرا یا انسان‌هایی می‌رود که از بیان معنوی اصیلی برخوردارند. ولی درعین‌حال، نقاط مشترک اندکی میان او و آنها وجود دارد. فردیتش کاملاً توضیح می‌دهد که چرا همچنان آثار او امروزه خیلی دیده نمی‌شوند و مخصوصاً منتقدان سینما تنها به سطح کارهای او دست می‌یابند.

**ا در همین فیلم، او می‌گوید که «نباید کار را از امور روزمره، کنش‌ها و زندگی جدا کرد»...**

هر اثری که او در زندگی‌اش خلق می‌کرد، درواقع چیزی بیش از اثری هنری بود که صرفاً به دیگر آثار اضافه می‌شد... از نظر او اثر باید کنشی مربوط به زندگی باشد. او در «زمان مهرشده» و در «دفتر خاطرات» نیز به‌تفصیل در این‌باره صحبت می‌کند و همین‌طور در یکی از دیالوگ‌ها باور داشت. او شیفته عباراتی بود که عیسی (ع) به کار برده و در انجیل نقل شده است: زمان پایان یافته است، کمال زمان و ... . شما هم حق دارید که این عبارت یا پریش فوق‌العاده‌ای را که تارکوفسکی در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۸۶ در دفتر خاطرات می‌نویسد، نقل کردید: ««زمان»، طی مدتی که مسیح بر روی صلیب است چگونه باید عمل کند؟» بدون آنکه بخواهیم در دل این پریش وارد شویم که پاسخش را احتمالاً تنها تارکوفسکی می‌دانست؛ اگر توانسته بود این فیلم نافرجام (جلجلتا) را بسازد، دقیقاً می‌خواهم به دقت بی‌نهایت او در مشاهده حرکت رویدادها، ریتم آنها، تمام جزئیات و نشانه‌هایشان اشاره کنم. تمام چیزهایی که در این لحظه متمرکز می‌شود، لحظه مرگ روی صلیبی که از آن زمان تبدیل به لحظه‌ای محوری در زمان تاریخی شده است...

**ا درباره کتاب «قصه‌های جوانی»، که اخیراً پیدا شده‌اند، به نظر می‌رسد این قصه‌ها به‌واسطه ساختار و مضامینشان، معرف تمام آثار سینماگر هستند...**

این کتاب که ما اسم آن را «قصه‌های جوانی» گذاشته‌ایم، نزدیک بود «پیش از سفر» (عنوان یکی از قصه‌ها) نام بگیرد، چون در مقدمات اثری که داشته عظیم و پرماجرا می‌شده، نوشته شده است؛ این کتاب شامل شش قصه و سه شعر است که در دفترهای یادداشت سینماگر پیدا شده‌اند، قبل از آنکه نگارش دفتر خاطرات را شروع کند. با ترجمه فرانسوی این آثار، خوانندگان می‌توانند برای اولین‌بار به این کارهای چاپ‌نشده دسترسی داشته باشند؛ کارهایی که قبلاً حتی به زبان اصلی‌شان، یعنی روسی، چاپ نشده بودند.

امروزه به احتمال زیاد این داستان‌ها به زبان روسی چاپ شده‌اند؛ اما من توانستم پیش از آنها با کشف بدعت این متن‌های سریع، واقعی و خام، عواطف شدیدی را تجربه کنم؛ اینها نوشته‌هایی شبیه به طرح‌های اولیه‌ای هستند که به یک شاهکار می‌انجامند. اما مخصوصاً، کشف و شهود واقعی مربوط می‌شود به ملاقاتی که تارکوفسکی در دومین قصه (اولین برف) تعریف می‌کند، یعنی ملاقات بین او و یک جوینده طلای سال‌خورده در سیری؛ کسی که مانند گری کوپر خوش‌قیافه است و به او یاد می‌دهد چگونه به شناخت برسد، زندگی کند و با طبیعت با تساو رفتار کند؛ سفر و ملاقاتی راهگشا که جسم و جان مردی را که یکی از بزرگ‌ترین سینماگران قرن بیستم می‌شود، بیشتر صیقل داده است.

**موسیقی هم اهمیت زیادی دارد، غنای تصاویر را تشدید می‌کند، قرب و عرفان را به یاد می‌آورد...**

موسیقی، با دقیق‌تر بگویم، صدا در آثار تارکوفسکی افکت بسیار مهمی است، تا حدی که حتی ما اخیراً سعی کردیم در برنامه رادیویی «فرانس کوئتور»، صدای جهان تارکوفسکی‌وار را به گوش برسانیم؛ صدایی که با صدای زمین یکی می‌شود. موسیقی در فیلم‌های تارکوفسکی دیگر مؤتلف تصاویر نیست بلکه چنان در ادراک بصری رخنه می‌کند که خود این تصویر، دیگر جدا از صدایی که همراهی‌اش می‌کند نیست، و برعکس. باین‌حال، کارهایی



صحنه‌ای از فیلم «جوانان»

## سینمای جهان

یک مفهوم

### جشنواره فیلم‌های طولانی در مسکو

بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو در سال ۲۰۱۶ شاهد رقابت ۱۲ فیلم از سراسر جهان، از جمله کشورهایی همچون ایتالیا، برزیل و البته، روسیه برای دستیابی به تندیس طلایی سنت جورج است.

هفته گذشته کنفرانسی مطبوعاتی در مسکو برگزار شد و در آن اسامی ۱۲ فیلم که در بخش رقابتی اصلی سی‌وهشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو حضور دارند و اسامی اعضای هیأت داوران آن اعلام شد. امسال این جشنواره در فاصله روزهای ۲۳ تا ۳۰ ژوئن (۳ تا ۱۰ تیر) برگزار می‌شود. به گفته کریل رازلوگوف، مدیر برنامه‌های جشنواره فیلم مسکو، از ویژگی‌های جشنواره امسال، وجود یک برنامه غیررقابتی درخرو توجه از سینمای اروپا و کره‌جنوبی است.

رازلوگوف در این‌باره گفت: «گرایش اصلی این دوره به نمایش فیلم‌های طولانی است. زمان نمایش برخی از این فیلم‌ها به هشت ساعت و ۱۲ و ساعت هم می‌رسد».

**فیلم‌ها**

فیلم‌هایی که برای تندیس طلایی سنت جورج، جایزه اصلی جشنواره، رقابت می‌کنند، عبارت‌از:
- توطئه (macchiazione La)
یک فیلم ایتالیایی به کارگردانی داوید گریکو، در که شخصیت اصلی آن پی‌یر- پائولو پازولینی، فیلم‌ساز مشهور، است.



- ماری و آسمان جل‌ها (Marie et les naufragés)
یک درام عاشقانه از کارگردان فرانسوی، سباستین بئده.
- صدای اشیا (El sonido de las cosas)
به کارگردانی آریل اسکالانتِه از کاستاریکا.
- حافظه فراموشکار (El sonido de las cosas)
به کارگردانی روی کونرا از برزیل؛

- مرکز جهان من (Die Mitte der Welt)
یک درام نوجوانانه آلمانی - اتریشی اثر جیکوب م. اروا.
- خاطرات راننده قطار (Dnevnik masinovoje)
یک درام کمدی محصول مشترک قبرستان و کرواسی به کارگردانی میلوش راډوویچ.

- بدترین زن (Choe-ag-ui yeo-)
یک کمدی موقعیت از کره‌جنوبی.
نماینده روسیه در این رقابت، اثری از فیلم‌ساز برجسته شوروی سابق، نیکلای دوستال است.
فیلم تازه او اثری مذهبی با عنوان «راهب شیطان» (Monakh i bes) است.
فیلم افتتاحیه جشنواره «کفش‌های کتانسی» (Ke-dy)، یک درام عاشقانه از کارگردان مشهور، سرگئی سولوویوف، نویسنده فیلم پرترفدار دوران پرسترویکا با عنوان Assa است.

این جشنواره با نمایش فیلم «کافه سوسایتی» وودی آلن در مراسم اختتامیه به پایان خواهد رسید.
این جشنواره برنامه‌های ویژه‌ای را نیز در خود گنجانده، از جمله بخشی به یکصدویستمین سالگرد تأسیس استودیو گومون اختصاص داده شده است.

**هیات داوران**

ریاست هیات داوران بخش رقابتی اصلی جشنواره را ایوایلو هریستوف، بازیگر و کارگردان بلغار، برعهده خواهد داشت که جایزه بزرگ جشنواره فیلم مسکو در سال گذشته را برای فیلم «بی‌عرضه‌ها» دریافت کرده است. در این هیات داوران، اولریکه اوتینگر، کارگردان آلمانی، راندھیر کاپور، بازیگر و تهیه‌کننده هندی و ویکتوریا ایساکوف، بازیگر روس، حضور دارند.

منبع: روزنامه RBTH

این هفته روی پرده

### جویندگان

جست‌وجو، چه برای یافتن هویت فردی باشد یا شخصیت تاریخی و فرهنگی، چه سرخ‌مضمون غالب فیلم‌هایی است که جمعه‌پیش‌رو، ۲۸ خرداد به اکران می‌رسند. علاوه بر فیلم‌های معرفی‌شده، می‌توان از «آخرین سرفت»، «دلک»، «نه‌چندان عجیب‌تر از عشق» و «کیهان، در فهرست آثاری که این هفته روی پرده می‌آیند، نام برد.

### اطلاعات مرکزی



در کمدی جنایی «اطلاعات مرکزی» یک حسابدار (کون هارت) میان‌مایه پس از آنکه بار دیگر با رفیق قدیمی‌اش (دواین جانسون) از طریق شبکه اجتماعی مرتبط می‌شود، درمی‌یابد که او از آدم‌کش‌های سازمان سیا است و ناخواسته درگیر پرونده‌ای فوق‌سری می‌شود و پایش به دنیای جاسوس‌های بین‌المللی و خیانت و جنایت و توطئه باز می‌شود. این فیلم را راوسون مارشال تربر کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۱۱۴دقیقه و درجه‌بندی آن PG-۱۳ (به معنی اینکه زیر ۱۳ساله‌ها به والدین تماشا کنند) است.

**یافتن دوری**



قهرمان انیمیشن جدید استودیو والت دیزنی و دنباله «در جست‌وجوی نیمو»، ماهی آبی‌رنگ فراموشکاری است که با دوستان خود، نیمو و مارلین، تجدید دیدار و سعی می‌کند به یاد بیاورد که در گذشته که بوده، پدر و مادرش چه کسانی هستند و کجا یاد گرفته است که با نهنگ‌ها صحبت کند. آلبرت بروکس، الن دجنرز، تای پورل، ادریس البا، دایان کیتون و بوچین لوی از صدایندگان این کمدی خانوادگی ۱۰۳دقیقه‌ای به درجه‌بندی سنی PG هستند که اندرو استتن آن را نوشته و کارگردانی کرده است.

**آرژانتین**



کارلوس سانورا، کارگردان مشهور تئاتر اسپانیا، در این مستند موزیکال با عنوان اصلی «زوندا: فولکلور آرژانتینی» (Zonda: folklore argentino) با یک رشته تابلوهای کویریگرافی‌شده به کاوش در سنت‌ها و فرهنگ عامه آرژانتین پرداخته است. میزانشن منحصرفرد حرکات موزون در ترکیب با موسیقی سنتی که نوازندگان در صحنه اجرا می‌کنند، حس‌وحال منحصرفردی به فیلم می‌دهد و اجرای زنده شاعرانه این موسیقی و حرکات، عصاره تاریخ یک کشور را در قالب قطعات گیتار و آکوردیون عرضه می‌کند. زمان نمایش این فیلم ۸۵ دقیقه است.

**آخرین پادشاه**



نروژ در سال ۱۲۰۶ میلادی دستخوش جنگ داخلی ویرانگری شده است. دو مرد پنهانی و محتاطانه از هاکن هاگنسن، پسر نوزاد نامشروع پادشاه که نیمی از قلمرو پادشاهی، او را مرده می‌خواهد، حفاظت می‌کنند. ماجرای که برای این افراد پیش می‌آید، تاریخ آن کشور را درگرو می‌کند. این درام اکشن و پرمجاری تاریخی با زمان نمایش ۹۹ دقیقه را نیز کوپ کارگردانی کرده است و آندرس داهلبرگ، آرموند برد ایکه و الک اکسم، از بازیگرانش هستند.

**SeoulSearching**



سنول، کره‌جنوبی، ۱۹۸۶. دارودسته‌ای از نوجوانان سرکش کره‌ای با هوایما و اتویوس عازم مکانی در خارج از شهر می‌شوند که نوجوانان دبیرستانی از سراسر دنیا- ایالات متحده، مکزیک، لندن و هامبورگ- در قالب یک برنامه تابستانی دولتی برای به‌اشتراک‌گذاشتن میراث فرهنگ‌ها در آنجا گرد آمده‌اند. این افراد رفتارهایی غیرقابل‌کنترل نشان می‌دهند که ممکن است موجب سرافکندگی خانواده و نیاکانشان شود، اما به‌زودی درمی‌یابند که چگونه باید خود را شناساند. این کمدی/ درام را بنسن لی کارگردانی کرده است.